

مختصری از زندگی نامه حضرت احمد بن موسی شاه چراغ (ع)

مهرداد برون^۱

چکیده

حضرت سید امیر احمد علیه السلام مقلب به «شاه چراغ» و «سیدالسادات الاعاظم» فرزند بزرگوار حضرت موسی بن جعفر (ع) و برادر امام علی بن موسی الرضا است. پسران امام هفتم علیه السلام بنا به مشهور نوزده نفر می‌باشند. حضرت احمد بن موسی (ع) و محمد بن موسی (ع) از یک مادر که «ام احد» خوانده می‌شد متولد گردیدند. ما در این مقاله به بررسی مختصر از زندگی نامه حضرت احمد بن موسی «شاه چراغ» می‌پردازیم.

کلمات کلیدی: زندگی نامه، حضرت احمد بن موسی (ع)، شاه چراغ، شیراز، فارس.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - پژوهشگر آزاد، استان خوزستان؛ پست الکترونیکی: mehrdadboroon90@gmail.com

مقدمه

حضرت سید امیر احمد علیه‌السلام مقلب به «شاه‌چراغ» و «سیدالسادات الاعظم» فرزند بزرگوار حضرت موسی بن جعفر (ع) و برادر امام علی بن موسی‌الرضا است. پسران امام هفتم علیه‌السلام بنا به مشهور نوزده نفر می‌باشند. حضرت احمد بن موسی (ع) و محمد بن موسی (ع) از یک مادر که «ام احد» خوانده می‌شد متولد گردیدند. مادر این مقاله به بررسی زندگی‌نامه حضرت احمد بن موسی «شاه‌چراغ» می‌پردازیم.

مروری بر زندگی‌نامه حضرت احمد بن موسی معروف به شاه‌چراغ

نام: احمد

لقب: شاه‌چراغ، سیدالسادات

کنیه: ابوعبدالله

پدر: امام موسی کاظم علیه‌السلام

مادر: امّ احمد

تاریخ ولادت: نامشخص

تاریخ شهادت: بین سال‌های ۲۰۳ تا ۲۱۸ هجری قمری

قاتل: قتلغ خان (حاکم شیراز) به فرمان مأمون عباسی

محل دفن: شیراز

ولادت

تاریخ دقیق تولد حضرت احمد بن موسی شاه‌چراغ سلام الله علیه مشخص نیست. اخیراً در شورای فرهنگ عمومی استان فارس نام‌گذاری یک روز به نام بزرگداشت آن حضرت مطرح شد و متولیان امر تصمیم گرفتند که روز تولد آن حضرت را به‌عنوان مراسم بزرگداشت انتخاب کنند. لذا برای مشخص شدن روز دقیق تولد، مورخان و محققان تحقیقات خود را آغاز کردند. اما پس از بررسی‌های به عمل آمده کارشناسان به این نتیجه رسیدند که روز تولد حضرت شاه‌چراغ به‌درستی مشخص نیست و در این خصوص نقل‌های متفاوتی وجود دارد. از این رو تصمیم بر این شد که در دهه کرامت یعنی حدفاصل تولد حضرت معصومه سلام الله علیها و امام رضا علیه‌السلام یک روز به‌عنوان

روز بزرگداشت حضرت احمد بن موسی «شاهچراغ» تعیین شود.

پدر و مادر حضرت سید امیر احمد(ع) ملقب به شاهچراغ و سیدالسادات، فرزند بزرگوار امام موسی کاظم علیه‌السلام است.

مادر وی، مشهور به «ام احمد»، مادر بعضی از فرزندان حضرت موسی بن جعفر(ع) بوده است. ایشان داناترین، پرهیزگارترین و گرمی‌ترین زنان در نزد آن حضرت بودند و حضرت اسرار خود را به وی می‌گفتند و امانتشان را نزد وی به ودیعه می‌گذاشتند.

بیعت با علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام: چون خبر شهادت حضرت موسی کاظم علیه‌السلام امام هفتم شیعیان در مدینه شایع شد، مردم به در خانه‌ام احمد، مادر حضرت شاهچراغ «احمد بن موسی» گرد آمده و حضرت سید میر احمد را با خود به مسجد بردند، زیرا از جلالت قدر و شخصیت بارز و اطلاع بر عبادات و طاعات و نشر شرایع و احکام و ظهور کرامات و بروز خوارق عادات که در آن جناب سراغ داشتند، گمان کردند که پس از وفات پدرش امام موسی بن جعفر علیه‌السلام امام به‌حق و خلیفه آن حضرت فرزندش «احمد» است.

به همیت جهت در امر امامت با حضرتش بیعت کردند و او نیز از مردم مدینه بیعت بگرفت، سپس بر منبر بالا رفت، خطبه‌ای در کمال فصاحت و بلاغت انشاء و قرائت فرمود، آنگاه تمامی حاضرین را مخاطب ساخته و خواست که غایبین را نیز آگاه سازند و فرمود: همچنان که اکنون تمامی شما در بیعت من هستید، من خود در بیعت برادرم علی بن موسی علیه‌السلام می‌باشم، بدانید بعد از پدرم برادرم «علی» امام و خلیفه‌ی به‌حق و ولی خداست. و از جانب خدا و رسول صلی‌الله علیه و آله و سلم او، بر من و شما فرض و واجب است که امر آن بزرگوار را اطاعت کنیم و به هر چه امر فرماید گردن نهیم.

پس از آن شمه‌ای از فضایل و جلالت قدر برادرش علی علیه‌السلام را بیان فرمود، تا آنجا که همه حاضران گفته‌های آن بزرگوار را اطاعت کردند، ابتدا او بیعت را از مردم برداشت،

سپس گروه حاضران در خدمت احمد به در خانه حضرت امام علی بن موسی علیه‌السلام آمده همگی با آن جناب بر امامت و وصایت و جانشینی امام موسی بن جعفر علیه‌السلام بیعت نمودند. و حضرت امام رضا علیه‌السلام درباره برادرش احمد دعا کرد و فرمود: همچنان که حق را پنهان و ضایع نگذاشتی، خداوند در دنیا و آخرت تو را ضایع نگذارد. سید امیر احمد(ع) ملقب به شاه‌چراغ، فرزند بزرگوار امام موسی کاظم علیه‌السلام است.

سفر به ایران

شیعیان و محبان اهل بیت علیهم‌السلام، پس از حضور با برکت امام هشتم علیه‌السلام در خراسان برای زیارت چهره تابناک امامت و ولایت از نقاط مختلف، به‌سوی ایران حرکت می‌کنند. حضرت احمد بن موسی(ع) نیز در همین سال‌ها(۱۹۸-۲۰۳ ه. ق) با جناب سید امیر محمد عابد و سید علاء‌الدین حسین(برادران ایشان) و جمع زیادی از برادرزادگان و محبان اهل بیت علیهم‌السلام، به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام از مدینه حرکت می‌نمایند تا از طریق شیراز به طوس عزیمت کنند. در بین راه نیز عده کثیری از شیعیان به آنان ملحق می‌شوند. خیر حرکت چنین قافله بزرگی مأمون خلیفه عباسی را به وحشت انداخت.

سفر به شیراز

در زمانی که حضرت امام علی بن موسی(ع) با ولایتعهدی تحمیلی در «طوس خراسان» بودند، حضرت احمد بن موسی(س) به اتفاق جناب سید محمد عابد و جناب سید علاء‌الدین حسین برادران خود و جمعی دیگر از برادرزادگان و اقارب و دوستان، به قصد زیارت آن حضرت از حجاز به سمت خراسان حرکت نمود. در بین راه نیز جمع کثیری از شیعیان و علاقه‌مندان به

خاندان رسالت، به سادات معظم ملحق و به اتفاق حرکت نمودند تا جایی که می‌نویسند: به نزدیک شیراز که رسیدند، تقریباً یک قافله پانزده هزار نفری از زنان و مردان تشکیل شده بود.

خبر حرکت این کاروان را به خلیفه وقت (مأمون) دادند. وی ترسید که اگر چنین جمعیتی از بنی‌هاشم و دوستداران و فدائیان آنها به طوس برسند، اسباب تزلزل مقام خلافت گردد. لذا امری‌ای صادر نمود به تمام حکام بلاد که در هر کجا قافله بنی‌هاشم رسیدند، مانع از حرکت شوید و آنها را به سمت مدینه برگردانید. به هر کجا این حکم رسید قافله حرکت کرده بود مگر شیراز.

حاکم شیراز مردی به نام «قتلغ خان» بود. وی با چهل هزار لشکر جرّار، در «خان زنیان» در هشت فرسخی شیراز اردو زد و همین که قافله بنی‌هاشم رسیدند، پیغام داد که حسب الامر خلیفه، آقایان از همین جا باید برگردید. حضرت سید احمد (س) فرمود: «ما قصدی از این مسافرت نداریم، جز دیدار برادر بزرگوارمان». اما لشکر قتلغ خان راه را بستند و جنگ شدید خونینی شروع شد اما لشکر در اثر فشار و شجاعت بنی‌هاشم پراکنده شدند.

لشکر شکست خورده، تدبیری اندیشیدند. بالای بلندی‌ها فریاد زدند: «الان خبر رسید که ولیعهد (امام هشتم علیه‌السلام) وفات کرد!» این خبر مانند برق، ارکان وجود مردمان سست عنصر را تکان داد، از اطراف امام زادگان متفرق شدند. جناب سید احمد (س) شبانه با برادران و اقارب از بیراهه به شیراز رهسپار گردیدند و با لباس مبدل پراکنده شدند. آرامگاه شاه‌چراغ در کنار میدانی به نام احمدی در شهر شیراز قرار دارد، که اکنون زیارتگاه عام و خاص است.

شهادت

پس از آن که حضرت احمدبن موسی الکاظم شاهچراغ(ع) به همراه برادرانش، راهی ایران گشت. «قتلغ خان» که جاسوسانی را برای شناسایی و دستگیر نمودن سادات که از مناطق خود فرار نموده بودند قرارداد داده بود، مکان ایشان را بعد از یک سال یافت و او و همراهانش را محاصره نمودند و نبردی بین آنها و مأموران حکومت درگرفت و سید احمد باشهامت و شجاعت هاشمی خود به دفاع از خود و همراهان خود پرداخت.

هنگامی که «قتلغ» دانست که از طریق ستیز مسلحانه، قدرت از میان بردن آنان را ندارد؛ از طریق خانه همسایه او شدند و از طریق شکافی که در خانه همسایه درست کردند وارد خانه‌ای که سید أحمد در آن پناه برده بود، شدند و زمانی که او برای استراحت و تجدید قوا، پس از نبردی طولانی به خانه رفته بود، هنگام خروج، با شمشیری بر سر او ضربه‌ای وارد کردند. سپس به دستور «قتلغ خان» خانه را بر روی آن بدن شریف خراب کردند و زیر آوار باقی گذاردند. با توجه به تبلیغ گسترده حکومت و مأموران بر علیه تشیع و اهل بیت(ع) تعداد زیادی از مردم که از مخالفین تشیع بودند، حرمت بدن شریف نوه پیامبر را نگاه نداشتند و آن را در زیر آوار نگاه داشته و به خاک نسپردند.

منابع

ابن بطوطه، سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷ شمسی، صص ۲۰۴-

۲۰۵

«ساختمان گنبد حضرت شاهچراغ» (۱). تهران: هنر و مردم. آبان ۱۳۴۱: ۱۲-۱۳. دریافت شده در ۱ اسفند ۱۳۹۴. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۴). دانشنامه امام کاظم علیه السلام. تهران: پایگاه جامع عاشورا. ص. ۶۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی